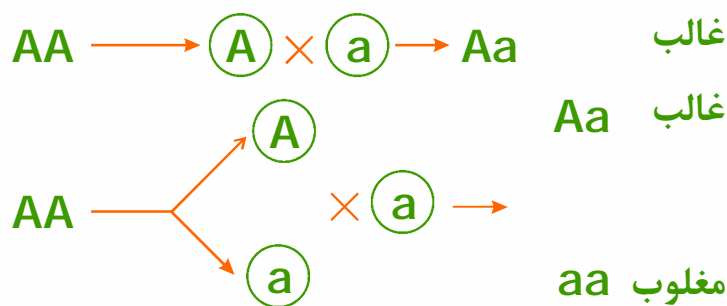


چه کسی قوانین مندل را دوباره کشف کرد؟

از نظر تاریخی، ۳ گیاه شناس به نامهای *devries*، *Erichvon Tschermak* و *Carl Correns* به عنوان کاشفان مجدد قوانین مندل شناخته می شوند در سالهای اخیر به این فرضیه، ایراداتی وارد شده است. کشف مجدد یک مطلب به معنای یک کشف مستقل و سپس اطلاع یافتن از کشف قبلی و اهمیت کافی به کشف قبلی دادن است. این که گفته شود ۳ گیاه شناس به طور مستقل قوانین مندل را کشف مجدد کردند به این معناست که آنها واقعاً به طور مستقل و بدون اطلاع از نفر قبلی، قوانین وراثت را بدست آورند سپس آنها فهمیدند که مندل ۳۴ سال پیش این قوانین را کشف کرده بود. این ۳ نفر، به کشف مجدد این قوانین مشهور شده اند در حالی که آنها این کار را انجام نداده اند. به این معناست که تحقیقات آنها، به جای اینکه آنها را به قوانین وراثت برساند، آنها را به مقاله مندل هدایت کرد. احتمالاً عنوان کاشفان مجدد قوانین مندل، صرفاً بعد از خواندن مقاله مندل به این ۳ نفر داده شده است.

Curt strem در پیش گفتار کتاب خود به همکاری *Era Sherwood*، به *Tschermak* انتقاداتی وارد می کند به این صورت که مقالات وی (جمعاً ۳ مقاله) در سال ۱۹۰۰، حاوی مهمی کاملی از قوانین مندل نبود در بسیاری نقاط، *Tschermak*، تحلیل های کامل برای نشان دادن وجود جدا شدن کروموزومها را ارائه نداده است. برای مثال وقتی زاده های F_1 آمیزش آزمون داده می شوند (آمیزش با فرد خالص مغلوب)، باید نتیجه، نسبت ۱:۱ بین زاده های غالب و مغلوب به دست آید (شکل).



Tschermak در مقاله خود نوشت "نفوذ صفت زرد به ۵۷٪ کاهش یافت و نفوذ صفت صافی دانه به

۴۳/۵٪" که این نشان می دهد وی نسبت ۱:۱ را در زاده ها نمی دید و ناشی از عدم فهم کامل او از قوانین

مندل است. همچنین او در ادامه مطالب خود می نویسد که او "عمداً نتایج آزمایشات خود را به صورت

عبارات تئوریتک در نیاورد" در حالی که به گفته *stern*، دقیقاً همین عبارات تئوریتک اند که منجر به کشف

قانون جدا شدن صفات می شوند.

Corcos, Monaghan در مقاله ای در ۱۹۸۵، انتقادات گسترده ای را بر علیه عنوان کاشف مجدد

قوانین مندل برای *Vries* ارائه کردند. بر طبق گفته های آنها، مقاله های منتشر شده از سوی *Vries*، اصول

قانون جدا شدن صفات مندل را تا قبل از اینکه آنها قوانین مندل را مطالعه کردند، در بر نداشت، همچنین او تا

قبل از اینکه *Correns* در سال ۱۹۰۰ در مقاله ای به کارهای مندل اشاره کند، او هیچ نامی از مندل در مقاله

هایش نبرده بود و در نوشته های مختلف، *Vries* زمان های مختلفی را به عنوان اولین باری که مقالات مندل

را دید، گزارش کرده است.

همچنین *Monaghan* و *Corcos* در مقاله ای در ۱۹۸۷ پیشنهاد کردند که *Correns* نیز، یک کشف

مستقل ناگهانی انجام نداده است بلکه به طور ناگهانی قوانین مندل را (بعد از اینکه آنها را مطالعه کرده بود)
فهمید. بعد از مطالعه مقالات و نوشته های *Correns* در مورد قوانین مندل، این دو دانشمند پیشنهاد کردند
که *Correns* قبل از انتشار اولین مطالب خود درباره قوانین مندل، آنها را مطالعه کرده بود. همچنین مانند
Correns ، *Vries* نیز در مورد اتفاقاتی که قبل از چاپ مقاله کشف مجدد اش در پاییز ۱۸۹۹ افتاد به طور
واضح صحبت نمی کند.

در اینجا لازم به ذکر است که *Tschermak, correns* و *Vries* هر سه اکتشافاتی انجام داده اند که
مورد شک نیست و هر سه پیروانی دارند که معتقد اند آنها به طور مستقل قوانین مندل را کشف کرده اند. اگر
اتهامات وارده درست باشند، این ۳ فرد به دلیل فریب دادن خود (بیش از فریب دادن جامعه) مقرر خواهند
بود. آنها در حال انجام آزمایشات و مطالعاتی بودند که می توانست نهایتاً منجر به کشف قانون جدا شدن
صفات باشد و بعد از خواندن نوشته های مندل، آنها می توانستند به راحتی خود را متقاعد سازند که خودشان
به طور مستقل در حال فکر کردن به این ایده عالی بوده اند.

